

Joseph Conrad's Lord Jim: an Annotated text
ed. by Thomas C. Mackay (New York: W. Norton & Company, 1982)

Conrad, Joseph. Lord Jim. 1902. 1982. Norton Critical Edition. Ed. by Thomas C. Mackay. New York: Norton, 1982. Pp. 304. \$24.95. ISBN 0-393-96111-1.

لرد جیم

جوزف کنراد

ترجمه صالح حسینی

ویراستار: هوشنگ گلشیری



انتشارات نیلوفر

مقدمهٔ چاپ نخست*

شاید شگفت‌آورترین واقعه دربارهٔ جوزف کنراد، نویسندهٔ لرد جیم، این باشد که به سن ۳۸ سالگی متولد شده است. اولین سند مبنی بر وجود چنین آدمی، تا حدودی در سربرگ اولین رمان او — حماقت عمارت المایر^۱، سال چاپ ۱۸۹۵ — یافته می‌شود. فردی که خود را جوزف کنراد می‌نامید، در یادداشت شخصی^۲ (۱۹۱۲) بر آن می‌شود لحظهٔ واقعی ولادتش را شرح دهد. این لحظه، به گفتهٔ خودش، یک روز صبح پیش می‌آید، یعنی همان وقت که من ماسبق او، ناخدای لهستانی الاصل کشتی تجارتي انگلیس، در میانهٔ سفرهایش خود را در پانسیون در لندن می‌یابد. صبحانه را تمام کرده بوده و همان دم که خادمهٔ پانسیون برای بردن ظروف می‌آید، بی‌هیچ انگیزهٔ آگاهانه‌ای از وی می‌خواهد کاغذ و قلم برایش بیاورد. آنگاه مطلبی را، برجوشیده از سرچشمهٔ ژرف ناخودآگاهش، می‌نویسد که بعدها به صورت اولین بند حماقت عمارت المایر درمی‌آید. مدت‌ها بعد در این باره چنین می‌نویسد: «در رفتِ حاجتی نبود — حاجتی مشهود به نیت بیان مافی الضمیر که هنرمندان در جستجوی خویش برای انگیزه‌ها

* این مقدمه — تحریر نخست در ۱۳۶۲ — که در چاپ دوم نیامده بود، اینک با دخل و تصرف و جرح و تعدیل در چاپ حاضر می‌آید. از پویا رفویی عزیزم سپاسگزارم که در رفع ناهمواری‌های چند صفحهٔ اول مددکارم بوده است.

فصل اول

قدش یک یا دو سانتی بیشتر از یک و هشتاد بود. قوی هیکل بود. با شانه خمیده و سری رو به جلو و نگاهی خیره، چنان مستقیم به سوی آدم می آمد که انگار نره گاوی است حمله ور. صدایش پرطنین و بلند بود. در رفتار و کردار مجسمه جسارت بود اما نشانی از تهاجم در آنها نبود بلکه رنگ نیاز داشت، و نه تنها دیگران که خودش هم آماج این برتری جویی بود. مثل دسته گل بود و آراسته به جامه ای سراپا سفید و پاک. و در بنادر گوناگون شرق، جایی که گذرانش را از راه فراهم آوردن لوازم کشتی به دست می آورد، بسیار محبوب بود.

بازاریاب ملزومات کشتی* از هر امتحانی معاف است، ولی باید اهل نظر باشد و آن را در عمل هم نشان دهد. کار او این است که از زیر بادبان و بخار یا پارو به تاخت برود و از دیگر بازاریاب ها جلو بزند و به کشتیهایی که دارند لنگر می اندازند برسد و با خوشرویی به ناخدا سلام کند و کارتی-کارت فروشنده لوازم کشتی-به زور به او بدهد و در اوّلین دیدار ناخدا از ساحل، راهنمایی اش کند به مغازه های درندشت و دخمه مانند که پراز اطعمه و اشربه ای است که بر عرشه کشتی خورده و نوشیده می شود، جایی که می توان هر چیزی را فراهم آورد تا کشتی آراسته و برازنده دریا شود، از جفتی قلاب برای شاه سیم کشتی گرفته تا کتیبه ای زرنگار برای حکاکی عقب کشتی، جایی که فروشنده لوازم کشتی ناخدایی را که قبلاً هیچگاه ندیده برادر وار پذیرا می شود. ایوانی

* Water- Clerk.